

اخلاق و تربیت بر اساس محبت

احمد احمدی^۱

ما در این سی و چند سال پس از پیروزی انقلاب، به ویژه در دانشگاه‌ها و مراکز آموزشی کوشیده‌ایم تا دین و اخلاق و حتی تربیت را بیشتر بر پایه استدلال و عقلانیت، استوار و عرضه کنیم. اگرچه تاکنون نتایج خوبی داشته اما نتیجه‌ای را که فراخور این انقلاب باشد به بار نیاورده است و باید آسیب‌شناسی کنیم. یکی از آسیب‌های چشمگیر، این است که ما نقش تربیتی اخلاق آمیخته با محبت را سست و سبک گرفته و آن را تنها در قالب دو واحد درسی در کتابی عرضه کرده‌ایم؛ آن هم غالباً به استادی استادان جوانی که بسیاری از آنها، خود، نیاز به دیدن استاد و مربی دارند. خواندن کتاب‌های اخلاقی، کار آسانی است و فرد می‌تواند شمار فراوانی از آنها را خود بخواند و حتی از بر کند، اما چنین کسی اخلاقی نمی‌شود. برای تربیت افراد به تربیت اخلاقی کارآمد باید نخست، خود آنها تحت تربیت صاحب‌نفسی قرار گیرند که فضائل اخلاقی در سرتاسر وجود وی رسوخ یافته و با آن سرشته شده باشد و او بیشتر با رفتار و کمی هم با گفتار خودش، آنها را خرد خرد و اندک اندک بسازد؛ آنچنان که پیران و مرشدان تصوف و عرفان راستین، سالکان را می‌ساختند. نمونه بارز اینها ملا حسینقلی همدانی، سیداحمد کربلایی، سیدعلی قاضی، علامه طباطبایی، برادرشان، مرحوم امام، بهجت، شیخ محمدتقی آملی، حاج شیخ مجتبی تهرانی، خوشوقت، نجابت و ... است. باید هر کسی که در خود زمینه‌ای می‌یابد چنین بساطی بگستراند و در حدّ توان و امکانات خویش، کسانی را در کنف تربیت خویش با رتبه‌بندی آنها بپذیرد و اینان پس از تربیت یافتن، خود به تربیت اخلاقی دیگران بپردازند. بنیاد این تربیت، علاوه بر استفاده از کتب و شیوه تربیتی مربیان راستین اخلاق باید بیشتر، محبت باشد تا هر چه در جان راه می‌یابد با چاشنی محبت باشد.

در تدریس درس معارف در دانشگاه‌ها هم باید آسیب‌شناسی و تجدید نظر اساسی به عمل آید و استادان این درس بیشتر از آبخور محبت استفاده کنند تا از شیوه‌های کلامی و فلسفی! و اساساً ما در ساختن فرهنگمان باید از ابزار محبت بیش از گذشته استفاده کنیم. البته هر گونه تحولی، بی‌گمان، وابسته به هماهنگی و کارایی و کارسازی مقامات فرادست به ویژه بخش اجرایی است و گرنه هیچ تلاشی بار و بر نخواهد داد.

^۱ استاد دانشگاه تهران